



مرکز تحقیقات اسلامی

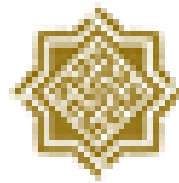
اصفهان

گامی



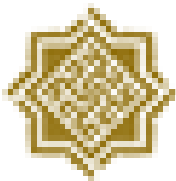
عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



چهل فصل

« منشور شیعه »



مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چهل فصل - (منشور شیعه)

نویسنده:

احمد سجادی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ چهل فصل - «منشور شیعه»
۶ مشخصات کتاب
۶ اشاره
۶ [آداب محاوره از کتاب الخزائن ملا احمد نراقی]
۱۰ [برگزیده‌ای از رساله‌ی العِشْرَةُ شیخ بهایی]
۱۳ آداب مُکاتَبَت (دستور نامه نگاری):
۱۴ [بخشی از «صد پند» خزائن ملا احمد نراقی]
۱۶ منابع:
۱۶ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

چهل فصل - «منشور شیعه»

مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱

عنوان و نام پدید آور: چهل فصل - «منشور شیعه» / سید احمد سجادی / واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: اخلاق و تربیت اسلامی

اشاره

در آداب معاشرت، مُحَاوَرَه و مُكَاتَبَه

(یا: فرهنگ گفتگو، معاشرت و نامه نگاری)

(از خزائن نراقی و رساله العِشْرَه شیخ بهائی و کتب علامه مجلسی)

* توجه: عبارات داخل دو قلاب یا کروشه [] از رساله‌ی العِشْرَه شیخ بهایی اضافه شده‌اند؛ ولی عبارات یا اضافاتی که بین الهالئین یا میان دو پرانتز () آمده، از خود ما می‌باشند.

[سید احمد سجادی]

[آداب محاوره از کتاب الخزائن ملا احمد نراقی]

* ملا احمد نراقی (فقیه عهد فتحعلی شاه قاجار) در کتاب الخزائن (= گنجینه‌ها) می‌نویسد:

«آداب محاوره (گفتگو و معاشرت) از جمله لوازمست مَر کسانى را که با مردم معاشرت می‌نمایند و آن بسیارست؛ از آن جمله:

۱ - چون به مجلسی حاضر شود به دو زانوی ادب نشیند و از زانو به زانو نگردد [و مکرر نشست و برخاست نکند]، چه، آن دلالت بر عدم ثبات و قَلتِ مَبَالَات (بی‌ملاحظه بودن) کند؛

۲ - اگر کسی با او سخن گوید به غیر او مُلْتَفِت نشود [و گوش دهد و سخن او را قطع نکند]؛

۳ - اگر کسی او را به فضیلتی (یا امتیازی) تحسین کند و بر فقدان (آن فضل و امتیاز) بر خود تأسّف نماید، به آن نازش و افتخار نکند؛ بلکه به وجهی عذر آن (فقدان و محرومیت را برای آن شخص) خواهد که بر خاطر آن شخص، فوت آن آسان شود (و بیش

از این حسرت نخورد)؛

۴ - در محاورات، به أَلْفَاظی که سامع (شنونده) بر آنها تَطْئِير (بد اندیشی) نماید احتراز کند (و الفاظ زشت و سبک به کار نبرد)؛

۵ و ۶ - از نقل چیزی که صدق (راستی) آن معلوم نباشد و همچنین از اراجیف (سخنان مُهْمَل و بی‌فائده و وقت گیر) احتراز نماید؛ [و بلکه پرهیزد از آنکه مُسْتَمِع (شنونده‌ی) سخنان لغو باشد؛ چه آنکه حضرت رسالت پناه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرموده‌اند:

«مَنْ أَصَغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ؛ فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ وَ إِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنِ إِبْلِيسَ فَقَدْ عَبَدَ إِبْلِيسَ؛

یعنی اینکه: هر آنکه گوش سپارد به سِخْنُورِی، گویی او را عبادت و پرستش کرده؛ پس اگر او سخن خدایی و موافق شرع و دین گوید، مستمع نیز خدا را عبادت کرده و اگر او سخن شیطنی و خلاف شرع گوید، مستمع نیز شیطان را بندگی و عبادت میکند -

که به او گوش میدهد و مشغول اوست!» * [

(* عُيُونُ أَخْبَارِ الرَّضَا - عَلَيْهِ السَّلَامُ، شيخ صد و ق، ج ۱، ص ۳۰۴، باب ۲۸، حدیث ۶۳).

(سعدی: تا مرد سخن نگفته باشد

عیب و هنرش نهفته باشد).

۷ و ۸- از کذب (دروغ) و لاف و گزاف - خصوصاً نزد بزرگان - و از راستی که دروغ نماید (حذر کند)؛ [و بداند که لاف زن، چه درباره خود و چه درباره عیال یا خاندان و عشیره خود، اغلب نزد مردم آن، دروغگو شناخته شود و منفور ایشانست قلباً، هر چند به ظاهر با او دوستی و مُراوَدَة (آمد و رفت) کنند و دروغگو، چون یک بار دروغش فاش شد، دیگر هر چند راست گوید، کس از او باور ندارد!]

(شیخ بهایی:

... تو مپنداری که با لاف و دروغ

هرگز افتد نان تزویرت به دوغ!!

خرده بینانند در عالم بسی!

واقفند از کار و بار هر کسی!

زیرکانند از یَسار و از یمین

وز پی رد و قبول، اندر کمین)...!

۹- و از کثرت مزاح (شوخی) و هزل (خنده پردازی) دوری کند [و از خندیدن و تبسم در حضور دیگران، در جایی که امکان رنجیدن دیگری یا حمل بر تمسخر باشد، اجتناب ورزد؛ بلکه در هر حال از تبسم و خنده‌ای که سببش بر مخاطب مجهولست دوری باید گزید؛ بسا که ظنین (بدگمان) گشته و بر آدمی خشم و کینه گیرد].

(وَرَامُ بْنُ أَبِي فِرَاسٍ - فوت: ۶۰۵ ق - در «تنبيه الخواطر» یا «مجموعه ورام» گوید:

بدان که آنچه نهی شده است همانا زیاده روی و مُدَاوَمَت بر شوخیست ... که باعث زیاد خندیدن است و خنده زیاد دل را می‌میراند و تخم کینه در دل می‌افشاند و شکوه و وقار را از بین می‌برد؛ اما اگر (شوخی) از این امور بر کنار باشد، نکوهیده نیست، همان طوری که از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ نقل کرده‌اند که فرمود:

«من شوخی می‌کنم ولی در شوخیم جز سخن حق نمی‌گویم»؛

آری (فقط) کسی همچون پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ می‌تواند شوخی کند و جز حق نگوید؛ اما دیگران وقتی که باب شوخی باز کنند، هدفشان خندیدن و خنداندن دیگرانست به هر وسیله که ممکن باشد!

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ فرمود:

«گاهی شخصی سخنی گوید، تا همنشینان خود را بخندانند، که در نتیجه خود را به پستی می‌کشاند!». از طرفی، خندیدن، دلیل بر غَفَلَت از آخرت است ...

یکی از بزرگان گوید:

«پسرم با شخص بزرگ شوخی نکن، که کینه تو را بر دل می‌گیرد و با آدم پست نیز شوخی نکن، که نسبت به تو جرأت پیدا می‌کند» ...

مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام / ترجمه «تنبيه الخواطر»، ورام بن ابي فراس، چاپ آستان قدس رضوی ع: ۱۳۶۹ ش، ص ۲۱۶.

(شعر: ز شوخی پرهیز ای با خرد!

که شوخی تورا آبرو می‌برد!).

۱۰ - از خُبث و معایب کسان احتراز نماید (یعنی غیبت دیگران را نکند) و پیوسته نیکوگو باشد تا پیش همه کس محبوب گردد؛ (سعدی):

آنکه عیب دگران پیش تو آورد و شمرد

بی گمان عیب تو پیش دگران خواهد بُرد!).

۱۱ - اگر کسی حکایتی یا سخنی بگوید بگذارد تا او حدیث (صحبتش) را تمام کند (یعنی وسط حرف دیگری نبرد) و اگر او (بهرتر از گوینده) مُطَّلَع باشد و وقوف (و آگاهی) او از آن سخن بیشتر (از ناطق) باشد آن را اظهار نکند، تا گوینده مُنْفَعِل (خجَل و درمانده) نشود؛

۱۲ - با جُهَال و سَفَلَه (افراد نادان، سطح پایین یا بی‌ادب و تندگو) مُجَادَلَه و مُنَاطَرَه نکند؛

(رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ فرمود:

... «هر که بدخواست خود را در شکنجه دارد و هر که با مردمان درافتد؛ بی‌آبرو شود و احترامش برافتد، سپس فرمود (ص): پیوسته جَبْرَئِيل مرا باز می‌داشت از درافتادن با مردم آنچنانی که بازمی‌داشت از می‌خواری و پرستش بتان» بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۷۵، ص ۲۱۰، حدیث ۴؛ آداب معاشرت، ترجمه جلد شانزدهم قدیم بحار، محمدباقر کمره‌ای، ۲ / ۱۳۱).

[و بدان که بحث و جدال، عامل تیرگی دل و کینه و خلاف و کدورت و اختلاف میان مردمان و دوستانست و در حدیث است از امام بحق ناطق، جعفر بن محمد الصّادق علیه السّلام که قال:

«لَا تُمَارِئَنَّ حَلِيمًا وَ لَا سَفِيهًا، فَإِنَّ الْحَلِيمَ يَقْلِبُكَ وَ السَّفِيهَ يُؤْذِيكَ»

یعنی که: هرگز مرء (بحث و جدل) مکن با کسی، چه حلیم (بردار) و باخرد باشد و چه سفیه (احمق) و لثیم (پست) و بی‌خرد؛ چه آنکه، دانا و حلیم، کینه‌ات را به دل می‌گیرد و سفیه و لثیم با دشمنی یا توهین به تو، آزارت می‌دهد!

(الکافی، شیخ کلینی، ۲ / ۳۰۱ - ح ۴، باب المرء)

و اگر، بنا به عللی چون دفاع از حق، ناچار از مباحثه و مناظره باشد، مجادله و ستیزه نکند که حرامست و پس از آن نیز کینه خلق الله را به دل نگیرد که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرموده‌اند:

«إِنَّ أَبْغَضَ الرِّجَالِ إِلَيَّ اللهُ الْأَلْدُ الْخَصِمُ»،

یعنی که: «منفورترینندگان نزد خدا، شخص کینه توز ستیزه‌جو است»

(لسان العرب، ابن منظور، ۳ / ۳۹۱ - ماده «ل د د»)

مَوْلَى المَوْجِدِينَ اميرالمؤمنين عليه السّلام فرموده‌اند:

«لَا يُلْفَى الْمُؤْمِنُ حَسُودًا وَ لَا حَقُودًا وَ لَا بَخِيلًا»،

یعنی که: «هرگز یافت نشود مؤمن، حسود و نه کینه‌ورز و نه بخیل» * [

(* غُرُّ الْحَكَم، آمدی، ۶ / ۴۱۴ - ش ۱۵۷۲).

(شعری از ابن یمین:

با همه خلق جهان، گرچه از آن

بیشتر بی‌ره و کمتر به رهند

آنچنان زی، که بمیری برهی!

نه چنان زی که بمیری برهند!!).

۱۳- تا سامع (شنونده را) راغب (و علاقه‌مند) در استماع (شنیدن) حدیث و سخنی نیند شروع در آن سخن نکند (که سبب نفرت یا انزجار سامع گردد)؛

۱۴- از کثرت مکالمه (پرحرفی) مُجانبَت (دوری و اجتناب) لازم شُمرَد؛
(خواجه نصیر طوسی:

می‌گریز از همنشین پر کلام!

عمر و وقت را هدر سازد مُدام!

از گنه یا لغو گوید خاطرات

کی تمامی دارد این لاطائلات)؟!...!

۱۵- آنچه از غیر او پرسند او جواب نگوید و اگر کسی به جواب مشغول شود و او بهتر قادر باشد صبر کند تا سخن او تمام شود، سپس خود بر وجهی که جواب آن شخص اول، مطعون (خراب و بی‌ارزش) نشود، تقریر (بیان) کند؛

۱۶- اگر سخن از او پوشیده دارند استراق سمع (و فضولی) نکند؛

۱۷- در مجالس، با کسی سِرّ (در گوشه یا آهسته) نگوید؛

۱۸- در نوشته کسان نظر نکند مگر به اذن ایشان؛

۱۹- به اطراف خانه و سقف و دیوار محفل، مکرر نظر نیندازد (که سبب سبکی او شود)؛

۲۰- از چیزی که شأن او نیست سؤال نکند و اگر دو نفر با هم سخنی گویند، بی جهت از آن استفسار (و سین جیم و فضولی در اسرار زندگی خصوصی مردم) نکند؛

۲۱- در دعا و تملّق (تعریف و چاپلوسی و چرب‌زبانی) مبالغه و افراط نکند، که آن علامت ضعف نفس است؛

۲۲- هر چه خواهد گوید، اول در خاطر مُقرّر گرداند و به اطراف (و عوارض احتمالی) آن برخوردار (و بیندیشد و اگر احتمال مفسده می‌دهد، خاموشی گزیند)؛

۲۳- در آثناء (هنگام) سخن به دست و چشم و ابرو اشارت نکند (که بیانگر بی ادبیست)؛

۲۴- حرکات و افعال و اقوال کسی را مُحاککات - یعنی تقلید - نکند (چه، غیرطبیعی به نظر می‌رسد و مردم اغلب می‌فهمند و ناخوش می‌دارند)؛

۲۵- سخن چنان گوید که از میزان شرع و عقل خارج نیفتد و اندیشه نکند که اگر من به خلاف خواهش مُستمع (شنونده) سخن گویم او را خوش نیاید! چه، مستمع اگر دانا و خردمند بُود، از سخن پسندیده (و بر وفق شرع) نرنجد (و اگر نادان و بی‌خرد باشد، رنجش او هیچ اهمّیت و ارزش ندارد!)؛

۲۶- در حضرت سلاطین و حُکّام، بسیار دعوی فضل و دانش نکند و در الزام ایشان (یعنی مُجاب کردنشان در بحث) نکوشد (تا کینه وی را به دل نگیرند) و از کثرت مُجالست و مُحاورت با ایشان گستاخ (و سنگدل) نگردد و بر معاشرت (با رجال سیاست) مُبادرت نماید، چه، مؤاخذه (و بدبینی و خشم ناگهانی) ایشان سخت و تمهید (آماده سازی) مَعذرت (و بهانه برای اثبات بی گناهی) دشوار باشد.

۲۷- تا ممکنست سخنی که بر خاطر بعضی از مُستمعان، گران (و ناخوشایند یا نامعقول) باشد نگوید.»

(پایان «منشور نراقی»؛ فقراتی دیگر از رساله‌ی العِشره شیخ بهایی در تکمیل می‌آوریم):

[برگزیده‌ای از رساله‌ی العِشْرَةُ شیخ بهایی]

۲۸- [هنگام محاوره، فاصله خویشتن تا مخاطب حفظ کند و به او آنقدر نزدیک نگردد که سبب آزرده‌گی او شود]؛
 ۲۹- [از خوردن بقولات (=سبزیجات) کریهه‌ الزوائح (= بد بو) همچون سیر و پیاز، خصوصاً در روز، به جد اجتناب ورزد، تا حضور و سخن گفتن او سبب نفرت نشود]؛
 ۳۰- [بدن و لباس و زبان و دهان را همواره خوشبو و پاکیزه نگاهدارد و موها را آراسته و تمیز شانه کند؛ و هر بوی بد یا منظر زشت را از خود بپالاید که اسباب رنجش دیگران فراهم نیورد].

(نراقی در معراج السعاده چنین میگوید:

«حضرت پیغمبر - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فرمود:

«پاکیزگی نصف ایمان است» (= الطُّهُرُ نِصْفُ الْإِيمَانِ)

بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۸۰، ص ۲۳۷)

و نیز فرمود:

«بد بنده ایست چرکین» (= بِئْسَ الْعَبْدُ الْقَاذِرَةُ!)

(الکافی، شیخ کلینی، ج ۶، ص ۴۳۹ - معراج السعاده، ملا احمد نراقی، چاپ هجرت - قم: ۱۳۷۷ ش، ص ۸۳۷).

قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ:

إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الرَّجُلَ الْقَاذِرَةَ! فَقِيلَ لَهُ: وَمَا الْقَاذِرَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟! قَالَ:

الَّذِي يَتَأَنَّفُ بِهِ جَلِيسُهُ = پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ فرمود:

خداوند دشمن دارد انسان چرکین را!

عرض کردند: و کیست انسان چرکین؟!؛

فرمود: آن کس که همنشین او از بوی بدش (اعم از دهان، پا، بدن و) ... در رنج باشد (و بخواهد بینی خود را بگیرد یا نفس نکشد!!)

(بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۸۰ / ص ۱۰۶).

۳۱- [در حضور دیگران، مکرر دست به اعضای خود - چون گوش و بینی و چشم و لب و دهان و دندان و ریش و سیل و - ... نرساند، که دال بر بی‌حیایی و بی‌ادبیست]؛

۳۲- [در حضور دیگری، از قهقهه زدن، با بانگ بلند عطسه یا سرفه کردن، آروغ زدن، صدای بینی در آوردن (فین کردن)، با صدا آب دهان افکندن، با دیگران پرگویی کردن و امثال این افعال اجتناب کند؛ که جملگی دلالت بر فرومایگی و بی‌مبالاتی شخص دارد]؛

۳۳- [بر سر خوان (سفره) رفتاری نکند که برای دیگران اشمئزاز (و تنفر) آورد؛ مثال آنکه: ضایعات غذا و گوشت و امثال آن را پیش دیدگان ایشان از دهان خارج نسازد، یا در سفره یا مجموعه خوان (سینی) نهد و پیوسته با دهان بسته غذا را بجود که صوت آن دیگری را آزار ندهد و چون چارپایان نشخوار نکند و با صدا مایعات را در دهان نکشد].

۳۴- [هنگام سخن گفتن یا سخن شنودن، با تمام چهره، روی به مخاطب کند؛ و با گوشه چشم یا نیمرخ به او نظر نیفکند؛ که گاه است دلالت بر تحقیر و استخفاف مخاطب کند]؛

۳۵- [در أثناء سخن دیگری، ناگه برنخیزد، یا ناگاه با بانگ خود یا رفتاری دیگر کلام او را قطع نکند؛ که دال بر بی‌ادبی و بی

اعتنائی به سخن اوست؛

۳۶- [از خُلف وعده (بد قولی) سخت اجتناب کند، که آن علامت نفاق است و خود، دروغ و از کبائر ذنوب (گناهان) باشد و در قرآن و اخبار، بسیار مَدَمَّت (بدگویی) از خُلف وعده شده و صاحب آن، به نفاق مُتَسِب گشته و وعده عذاب به او داده شده است؛ اضافه بر آنکه این صفت، سبب رنجش دوستان و بلکه نفرت و انزجار ایشان از آدمیست].

(علامه مجلسی در «حق الیقین» گوید:

«رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ فرمود که: سه خصلت است که در هر که باشد، منافقت؛ هر چند نماز و روزه بجا آرد و دعوی اسلام کند:

۱- چون او را برای امری امین کنند خیانت کند؛

۲- چون سخن گوید دروغ گوید؛

۳- و چون وعده دهد خُلف وعده (بدقولی) کند»

(حق الیقین، علامه مجلسی، فصل ۱۸ از باب ۶ (معاد)، چاپ اسلامیه: تهران، ص ۵۳۲).

۳۷- [آنکه حذر کند از مُجَالَسَت (همنشینی) و مُؤَانَسَت (انس گرفتن) با هر کس و ناکس، خصوصاً فرومایگان و هرزه گویان و گنهکاران، که لاجرم (ناچار) بدی آنها به روح و دل او سرایت کند، چنانکه بوی بد به لباس و بدن آدمی سرایت کند و بسا باشد که کسی آدمی را با آن اشخاص ببیند و قلب وی نسبت به او برگردد و او را نیز متهم سازد. نیز باید که پرهیزد از مجالس بد و مواضع تهمت.

نصیرالملّه و الدّین، خواجه نصیر الدّین طوسی در آداب المتعلّمین در وصف این قبیل یاران و دوستان گوید:

تا توانی، می‌گریز از یار بد

یار بد بدتر بُود از مار بد!

مار بد تنها تو را بر جان زند

یار بد بر جان و هم ایمان زند!

و شیخ الشعراء و أفصح الفصحاء، سعدی شیرازی گوید:

این دغل دوستان که می‌بینی

مگسانند گرد شیرینی!!

إلی أن قال :

راست خواهی؟! سگان بازارند!!

کاستخوان از تو دوستتر دارند!!

و أيضاً (همچنین) گوید:

همنشین تو از تو به باید

تا تو را عقل و دین بیفزاید!

و باز همو چنین گوید:

دوستی با مردم دانا نکوست

دشمن دانا به از نادان دوست

دشمن دانا بلندت می‌کند

بر زمينت می‌زند نادانِ دوست!]

(امام سجّاد (ع) فرمود:

بپرهيز از دوستی با فاسق (بدکار)، که تو را به یک لقمه یا کمتر می‌فروشد و بپرهيز از دوستی با بخيل، که در شديدترین حال نیازمندی تو، مالش را از تو دریغ دارد و بپرهيز از دوستی با احمق، که خواهد سودت برساند ولی زیانت رساند!

امام باقر علیه السلام فرمود:

نزدیکی و دوستی مکن با چهار کس: احمق، بخيل، ترسو و دروغگو؛ اما احمق خواهد سودت رساند به عوض زیانت رساند و اما بخيل، (فقط) از تو بگیرد و به تو (هیچ) ندهد و اما ترسو، از تو و والدینش (نیز، به هنگام ترس) گریزد و اما دروغگو، بسا که راست گوید و (دیگر) باورش نکنند.

بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۷۴ / صص ۱۹۶ و ۱۹۲؛ آداب معاشرت: ترجمه جلد شانزدهم قدیم بحارالانوار، محمدباقر کمره‌ای، ج ۱، ص ۱۲۶ و ۱۲۳.

(امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

پرهيز کنید از جاهای تهمت آور و (حتی تا این اندازه که) کسی از شما با مادرش در سر راه نایستد، چون همه کس آن مادر را نشناسد (و گمان کنند زنی بیگانه است))

(بحار، ج ۷۵ / ص ۹۱؛ ترجمه مذکور: ج ۲ / ص ۶۲).

۳۸- [آنکه از ریا، عجب (خودبینی و خودپسندی) و تکبر (خودخواهی و خود بزرگ بینی) سخت برحذر باشد؛ که به تجربه ثابت آمده که اینها اضافه بر آنکه شرعاً از کبائر (گناهان کبیره) اند، سبب نفرت و انزجار مردمان از شخص مُصِیَف به این صفاتند و او گمان کند که نزد مردم احترام و موقعیتی دارد، لیکن از قلوب ایشان ناآگاهست که سخت از او بیزارند! و چه بسا در ظاهر به او احترام کنند ولی در باطن و پشت سر، او را ناسزا گویند و با زشت‌ترین الفاظ از او یاد کنند].

۳۹- [آنکه پیوسته مؤدب و خاضع و فروتن باشد، که به تجربه ثابت آمده که این، احترام و محبوبیت آدمی را نزد خلق خدا بیفزاید؛ پس چون وارد مجلسی شود، سلام کند و انتظار سلام از کسی نداشته باشد؛ چنانکه حضرت ختمی مرتبت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ حتی بر اطفال که وارد می‌شد سلام می‌فرمود و توقع سلام از کسی نداشت و همواره ابتدا به سلام می‌کرد و بسی بی‌ادبیست که آدمی بر جمع وارد شود و سلام نکند و بی‌ادب‌تر از او کسیست که سلام را جواب نگوید، یا جواب پرسش دیگری را ندهد؛ یا پاهای خود را جلوی دیگران - بدون عذر - دراز کند؛ یا با وجود مکان مناسب، پشت به دیگران بنشیند؛ یا بر مکانی تکیه دهد و بزرگتر بی‌متکا (پشتی) بنشیند؛ یا اینکه در غذا خوردن یا آب آشامیدن، تقدّم بر بزرگتر کند؛ یا دست و لقمه (و قاشق) خود را در ظرف عمومی فرو برد؛ یا اینکه صدای خود را به گریه یا خنده یا نزاع و دعوا یا بازی و مسخرگی و امثال آن بلند کند و چنین شخص - خصوصاً اگر طفل یا جوان باشد - منفور (مورد نفرت) اهل مجلس واقع شود، بداند یا نداند].

۴۰- [آنکه اگر تازه‌واردی به مجلس درآمد، حُضار سعی کنند جایی در کنار خود برای وی بگشایند و آنگاه که نشست، اهل مجلس، خود را کمی جمع کنند تا او احساس غربت و یا تنگی جا نکند و آن کسان که هنگام ورود شخصی به مجلس، جا به او ندهند و جواب سلام او صحیح نگویند و بی‌اعتنایی روا دارند، یا فرومایه و بخیلند، یا بی‌مبالات و بی‌ادب و یا بی‌رحم و بی‌شرمند و اما تازه‌وارد نیز هرگز نایستی خود را به جبر و قهر، کنار کسی یا بین دو کس، جا دهد؛ که این اضافه بر آنکه شرعاً حرام و نوعی غضب حقوق است، سبب آزردهی مردم و نفرت ایشان از شخص می‌شود و اگر او در آن مکان که به جبر خود را جا داده نماز بخواند باطلست، چون مکان مغضوب است.

حتی اگر به نحوی کسی را در محذور اخلاقی قرار دهد و آن کس به اِکراه (بر خلاف میل قلبی و از روی تعارف) جا برای وی باز

کند، باز نمازش باطلست و فعل او حرام؛ چه، نزد فقهاء، مسلم است این قاعده که: المَأخُذُ حَيَاءٌ كَالْمَأخُذِ غَضَباً (= آنچه از روی تعارف و کمرویی گرفته شود مثل غضب است) و همینطورست در سایر موارد، مانند مهمانی که بدون رضایت یا بی موقع بر صاحبخانه وارد شود و او نیز از ترس آبرو چیزی نگوید، که بسیاری از فقهاء، وضو و نماز آن مهمان را نیز در آن خانه باطل می‌دانند، چون صاحبخانه قلباً از آمدن او ناراحت است، هر چند به ظاهر خندان باشد و تعارفات به عمل آورد.

پس ای عزیز، حق الناس بس حسیاس و احکام شریعت، بسی محتاج بصیرت است؛ پس مبدا با چنین خطاها اعمال خود را باطل گردانی و در سیاهه اعمال آخرت، جز تباهی و سیاهی چیزی نبینی و آنجا دریابی که حتی نماز و وضوی تو باطل بوده و تو نفهمیده باشی! و از جمله موارد ابتلا به حق الناس، آمد و شد (رفت و آمد) در معبر (پیاده‌رو) و کوی و بازار و خیابانست؛ که بسیار کسان به هم تنه زنند، یا راه عبور بر هم تنگ سازند، یا تقدّم و تأخّر مراعات نکنند، یا کفش و پای یکدیگر لگد کنند، یا آب و گل و لای به لباس هم پاشند، یا به نحوی دیگر مزاحمت برای هم سبب شوند و از آن جمله است آزار و اذیت همسایگان (همسایه آزاری) که همسایه آزار در احادیث، ملعون به شمار آمده

(عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ آذَى □ جَارُهُ)

(بحارالانوار، ج ۷۴ / ص ۱۵۳ / ح ۱۷)

و در حدیث مُعَاذِ بْنِ جَبَل از حضرت رسالت پناه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ چنین آمده که:

وَالْمُقَطَّعَةُ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمُ الَّذِينَ يُؤْذُونَ الْجِيرَانَ،

یعنی:

آنان که در قیامت، دست و پا بریده محشور شوند، همسایه آزارانند

(مَجْمَعُ الْبَيَانِ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ، شیخ ابوعلی طبرسی، ج ۱۰، ص ۶۴۲، ذیل آیه ۱۸ سوره نبأ: يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَنَأْتُونَ أَفْوَاجًا؛ نیز: تفاسیر دیگر، ذیل این آیه).

(پایان نقل قول از رساله العِشْرَةَ (آداب معاشرت) شیخ بهائی - ره).

آداب مَكَاتِبَت (دستور نامه نگاری):

* نیز ملا احمد نراقی در همان کتاب الخزائن (= گنجینه‌ها) می‌نویسد:

«چند چیز مراعات آن در نامه نوشتن ضرورست:

۱ - آن که ابتداء به نام حق کند.

۲ - سعی کند که هر چند سطر به آخر می‌رسد میل آن به بالا باشد یا مساوی؛ چه، خط یهود و ترسا (مسیحی) میل به نشیب (پایین) دارد (و نیز باید که نامه خوانا و خوش خط و تمیز باشد و روی کاغذ پاره یا کثیف و یا کوچک، برای کسی نامه ننویسد که توهین است).

۳ - آن که دعا را بسیار مکرّر نکند (چون حمل بر تملّق و چاپلوسی می‌شود).

۴ - آن که از تکرار ألفاظ احتراز کند (که سبب ملال خاطر است و خلاف قواعد ویرایش).

۵ - آن که لفظ مشترک میان مدح و ذم (یعنی دو پهلو) نیاورد (که سبب سوء تفاهم شود).

۶ - آن که خطّ را بسیار نقطه (یا حرکت) نهد؛ چه، آن تنبیه بُود بر جهل مکتوبّ إِلَیه (یعنی اشاره است به بیسوادی یا کم سوادی مخاطب یا گیرنده نامه).

- ۷- آن که بر ظهر (پشت) مکتوب بزرگتر از خود هیچ ننویسد (زیرا مافوق، پشت نامه مادون و یا در حاشیه آن چیزی می‌نویسد؛ چون در شأن او نیست که نامه مستقلی بنویسد).
- ۸- آن که اگر نامه را به مکان بعیدی بنویسد، به تاریخ، مقید کند (که اگر با تأخیر رسید، فکر نکنند که خود او دیر فرستاده است).
- ۹- آن که بعد از فراغ، به تأنی (اندیشه و دقت) مطالعه کند، تا اگر سهوی باشد معلوم شود.
- ۱۰- آن که در وقت اصلاح، قلم را به دهان نگیرد؛ چه، آن نزد اهل تمیز (خردمندان)، مستقبیح (زشت) باشد.
- ۱۱- آن که به هیچ وجه در مکتوب دشنام ننویسد و همچنین احتراز کند از نوشتن چیزی که امکان داشته باشد که انکار او ضرور باشد (یعنی چیزی ننویسد که اگر ضرورت شد که آن را انکار کند و بگوید: من چنین چیزی نگفته یا نوشته‌ام، دیگر نتواند؛ زیرا نوشته اگر دست کسی بیفتد، سندی غیر قابل انکار است، مگر به سختی و به ندرت!).
- ۱۲- آن که نامه را مُرَبَّع نگذارد (یعنی مَرَبَّع قیچی نکند و یا مَرَبَّع تا نکند)؛ چه، تربیع (در علم نجوم) نظر عِداوت (دشمنی با یکدیگر) است...».

[بخشی از «صد پند» خزائن ملا احمد نراقی]

* و اکنون بخشی از «صد پند» خزائن نراقی، که باز مربوط به آداب معاشرت است):

.....

- ۳- با مادر و پدر چنان باش که از فرزندان خویش طمع داری که با تو باشند.
- ۴- منگر به حال کسی که حال او از حال تو بهتر باشد؛ بنگر به حال کسی که حال او از حال تو کمتر بود تا دائم از خدای تعالی خشنود باشی.
- ۵- سخن ناپرسیده مگو و کسی را که پند نشنود پند مده و بر ملا (جلو جمع) کس را پند مده.
- ۸- اگر کسی با تو ستیزه کند به خاموشی آن ستیزه را بنشان و جواب احمق خاموشی است.
- ۹- پیران را حرمت کن.
- ۱۰- کاهلی (تنبلی و بی حوصلگی) فساد تن بود؛ زنهار! کاهلی مکن!
- ۱۲- از گفتار و کردار با صلاح (درست و نیک) شرم مدار؛ که بسیار مردم بود که از شرمگینی (خجالت) از غرضهای خویش باز ماند.
- ۱۳- به تیزی و تندى عادت مکن و از حلم (بردباری) خالی مباش؛ ولیکن چنان نرم نباش که (سودجویان و فرومایگان) بخورند!
-
- ۱۵- چون ترا شغلی پیش آید - هر چند ترا کفایت آن باشد - مستبد بر رأی خود مباش، که هر که مستبد به رأی بود پشیمان شود و از مشورت کردن عیب مدار، با پیران عاقل و دوستان مُشَفِق (خیرخواه و مهربان).
-
- ۱۷- زنهار! آنچه به دورغ ماند نگوئی! که دروغی که به راست ماند بهتر است از راستی که به دروغ ماند!
-
- ۲۱- پیش مردمان نا کس راز مگوی، که اگر سخن نیکویی بود گمان زشت برند.
- ۲۲- هر چه بگویی نا اندیشیده مگوی، تا بر گفتار پشیمان نشوی.
- ۲۳- سرد سخن مباش، که سخن سرد، تخمیست که از آن دشمنی روید.

۲۴ - بسیار دان و کم گو باش و نه کم دان و بسیار گوی! که بسیار گوی اگر چه خردمند باشد، مردم او را بی خرد دانند.

.....

۲۶ - زنهار! دوست خود مخوان کسی که دشمن دوستان تو باشد.

۲۷ - پرهیز از نادانی که خود را دانا شمرد.

۲۸ - اگر خواهی راز ترا دشمن نداند با دوست مگوی.

.....

۴۰ - با هیچ کس جنگ (زاع و دعوا) مکن، که جنگ، نه کار محتشمان است؛ بلکه شغل زنان است با کودکان!!

.....

۴۶ - تا توانی سوگند مخور.

.....

۵۴ - زنی که محتشم تر (ثروتمندتر، یا دارای مقام و تحصیلات بالاتر) از تو باشد مخواه.

.....

۶۰ - دوستی که از تو بدون حجت (دلیل منطقی) پر گله شود، به دوستی او اعتماد مکن.

.....

۶۲ - به دوستی کسی که با دشمن تو دوست باشد زنهار! - هزار زنهار! - اعتماد مکن!

۶۳ - اگر ترا دشمنی باشد دلتنگ مشو، که هر که را دشمن نباشد بی قدر و بها باشد.

.....

۶۵ - بیشتر از دشمن خانگی و همسایگان و خویشان حذر کن!

(شیخ بهائی:

پیوسته دلم ز دست خویشان ریشست

وین جور و جفای خلق، از حد بیشست!

بیگانه به بیگانه ندارد کاری!

خویشست که در پی شکست خویشست!).

.....

۷۳ - از اژدهای هفت سر مترس و از مردم سخن چین بترس!

.....

۷۶ - هر سخن را که شنیدی انگشت در آن مپیچ! (یعنی تجسس نکن و ناشنیده بگیر!)

۷۷ - زود به هر چیز خصمناک مشو؛ و در وقت خشم، خشم فرو بر.

۷۸ - اگر جایی باید ترا (به سبب خطایات) عفو و عذر (از دیگری) خواست، ننگ مدار.

.....

۸۹ - هیچ نوشته را بر خود حجت مساز؛ یعنی چیزی منویس که روزی بر تو حجت شود.

.....

۹۷ - از آن سفره که نان خوری بد گویی مکن...!

منابع:

(غیر آنچه در متن آمده؛ خزاین، ملا-احمد نراقی، چاپ علمیّه اسلامیّه، صص ۲۷۴ - ۲۷۵ و ۲۷۸ - ۲۷۹ و ۲۲۳ تا ۲۲۹، توأم با تصرّفات ویرایشی؛ رساله‌ی العشره (آداب معاشرت اسلامی)، از شیخ بهایی، نسخه خطّی، به نقل از «دایره‌المعارف علم و مذهب»، دکتر سید ابراهیم مهدوی، مدخل «فرهنگ شیعه» - «آداب معاشرت» - که درون گروه [] و بدون ذکر نشانی، در متن فوق آمده است؛ ولی آنچه بین پرائتر (آمده، از خود ما یا از کتب دیگرست که همانجا نام برده شده‌اند، مانند کتب علامه محمّد باقر مجلسی و)....

□

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه‌های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه‌ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه‌های ماهواره‌ای
 و) راه‌اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ‌گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
 ز) طراحی سیستم‌های حسابداری، رسانه‌سازی، موبایل‌سازی، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز تحقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه‌های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش‌ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت‌کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم و دوره‌های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج‌رمان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶
 وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه‌الله الاعظم عجل‌الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳
 به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
 همه مردم را زنده کرده است!» یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش

از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

